



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۹۴-۷۹

مقاله پژوهشی

بررسی سیاست‌های آموزش زبان عربی در جمهوری اسلامی ایران

مهدي ترکشوند^۱

استادیار تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی

(تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۴)

چکیده

زبان در تشکیل ساختمان تفکر آدمی نقش برجسته‌ای دارد، به طوری که می‌توان گفت جهان‌بینی انسان به وسیله پرورش زبانی او تعیین می‌شود. بنابراین سیاست‌های آموزش زبان نیز نقش مهمی در توسعه جوامع ایفا می‌کند. این پژوهش با تأکید بر حوزه زبان عربی قصد دارد به بررسی آسیب‌های آموزش زبان عربی در کشور پرداخته و سیاست‌های آموزش این زبان را در سلسله مراتب نظام سیاست‌گذاری کشور شامل سیاست‌های کلی نظام، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، قوانین مجلس شورای اسلامی، مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش و مصوبات هیئت وزیران و دستگاه‌های اجرایی، مورد شناسایی و نقد قرار دهد.

واژگان کلیدی: سیاست زبان، آموزش زبان عربی، سیاست‌ها، اسناد کلان، ایران.

مقدمه

زبان نظامی از نشانه‌هاست که خود، نظامی صاحب ارزش فرهنگی تلقی می‌شود. کاربران زبان خود و دیگران را از طریق کاربرد زبان می‌شناسند و زبان خود را نماد هویت اجتماعی خویش می‌دانند. گویشوران هر زبانی منع کاربرد زبانشان را اغلب مخالفت با گروه اجتماعی و فرهنگی خود تلقی می‌کنند. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که زبان نماد واقعیت فرهنگی است (کرامش، ۱۳۹۰: ۲۲). زبان در تشکیل ساختمان تفکر آدمی نقش برجسته‌ای دارد، به طوری که می‌توان گفت جهان‌بینی انسان به وسیلهٔ پرورش زبانی او تعیین می‌شود. از این رو، برنامه‌ریزی برای زبان و جهت‌دهی به پژوهش‌های زبانی می‌تواند سبب تکامل و رشد این جهان‌بینی شود و نتایج فرهنگی و تمدنی بی‌نظیری را برای جامعه رقم بزند. زبان، ارتباط زبانی و دادوستد فرهنگی و تمدنی از مهم‌ترین مسائلی است که بشر در دورهٔ معاصر با آن مواجه و بدان نیازمند است. زبان به واسطهٔ نقش مهمی که در زندگی اجتماعی انسان دارد، از بسیاری از تحولات و دگرگونی‌های اجتماع گویشوران خود و چه بسا نهادی اجتماعی برون‌زبانی دیگر تأثیر می‌پذیرد و به نوبهٔ خود دگرگون می‌شود. کیفیت و کمیت دگرگونی‌های زبانی به کیفیت و کمیت تحولات غیرزبانی بستگی دارد، اما با آن‌ها برابر نیست. در واقع، تحولات اجتماعی- فرهنگی به مراتب زودتر از تغییر و تحولات زبانی اتفاق می‌افتد و به‌خوبی در زبان نمود می‌یابد. در حقیقت، زبان ظرف فرهنگ و اجتماع گویشوران خود است. از این رو، تعلیم و تعلم هر زبانی فارغ از فرهنگ آن جامعهٔ زبانی غیرممکن می‌نماید. بنابراین، به یقین می‌توان گفت هر نوع تغییر اجتماعی، یا هر نوع دگرگونی نظام سیاسی و یا هر گونه توسعهٔ نظام آموزشی از طریق زبان و فرهنگ امکان‌پذیر است. واقعیت‌هایی ارتباطی وجود دارد که رابطهٔ درهم تنیدهٔ زبان و فرهنگ را تأیید می‌نماید. به عنوان نمونه، تعامل یک فارسی‌زبان با گویشوران زبان عربی تنها مبتنی بر فراگیری عناصر و مهارت‌های زبان نیست، بلکه به همان اندازه وی نیازمند شناخت فرهنگ و آداب و رسوم عرب‌زبانان است. چه بسا وی به هنگام ارتباط با اهل زبان در یک موقعیت ارتباطی نیازمند به‌کارگیری ساختارهایی زبانی است که نظام زبانی نمی‌تواند صحت و سقم آن‌ها را تأیید کند، بلکه این ارزش‌های فرهنگی است که می‌تواند آن ساختار یا ساختارهای زبانی را تأیید یا رد نماید. بنابراین، بدون توجه به ابعاد مختلف بافت متنی- گفتمانی زبان، فرآیند آموزش/ یادگیری هر زبان خارجی بسان فرود آمدن چتر باز وسط ملتی است که از تاریخ، فرهنگ و تمدن آن‌ها شناختی ندارد و در نتیجه، در یک انزوای زبانی از ایجاد هر گونه ارتباط با آن‌ها سرگردان و سرخورده خواهد شد (آذرشب و همایونی، ۱۳۹۴). جهان امروز از کشورهای متعدد و گوناگونی تشکیل شده که هر یک به سبب تاریخ خاص خود از فرهنگ و زبان متفاوتی برخوردار است و این تنوع و گوناگونی، گاهی امکان زندگی مشترک انسان‌ها در کنار یکدیگر را دشوار می‌سازد؛ چرا که زبان صرفاً ابزاری برای برقراری ارتباط نیست، بلکه جهانی‌بینی افراد، قوه تخیل آنها و روش انتقال دانش را نیز بیان می‌کند (پیام یونسکو، ۱۳۷۹) زبان و فرهنگ، ارتباط تنگاتنگی با

یکدیگر دارند. زبان برای انتقال مفاهیم به کار می‌رود، اما این مفاهیم تنها به کمک درک درست پیش‌انگاره‌های فرهنگی - اجتماعی جامعه، معنا و مفهوم می‌یابند. فرهنگ، بخش مکملی از تأثیر متقابل زبان و تفکر است. الگوهای فرهنگی، آداب، رسوم و جهان‌بینی‌هایی که مشخصه‌های فرهنگی دارند، در زبان نمود می‌یابند. اگر فردی با الگوی زبانی، واژگانی و دستوری یک زبان کاملاً آشنا باشد، اما شناختی از پیش‌انگاره‌های فرهنگی - اجتماعی آن جامعه نداشته باشد، برقراری ارتباط و هم‌اندیشی با کاربران آن زبان برایش بسیار دشوار و یا حتی غیرممکن به نظر می‌رسد و اغلب به سوء تفاهم در موقعیت‌های مختلف می‌انجامد. ناگفته پیداست که فرهنگ هر کشور تقریباً از طریق الفاظ و کلماتی که فرهنگ در بطن آن‌ها نهفته شده است، رواج می‌یابد. اگر انگلستان توانسته است فرهنگ خود را بر پاره‌ای از ملل دنیا تحمیل کند، به سبب ترویج زبان و ادبیات آن بوده است. شاهد این مدعا کشورهایی هستند که به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند (آزادی‌کناری، ۱۳۷۶: ۱۲۷).

اهمیت زبان عربی

عربی زبان رسمی بیش از ۲۰ کشور است و ۳۷۵ میلیون نفر از گویشوران بومی این زبان وجود دارند. این سخنگویان عمدتاً در خاور میانه متمرکز هستند، اما گروه‌های اقلیت زیادی در سراسر جهان وجود دارند. زبان عربی در برهه‌ای از زمان چهره جهانی به خود گرفت و دایره نفوذ خود را با گسترش اسلام در سراسر جهان وسعت بیشتری بخشید. مرزهای چین را درنوردید و با گذر از خاورمیانه، مصر و شمال آفریقا به جنوب باختری اروپا رسید. پایه گذار این گستره فراگیر جهانی چیزی نبود جز تمدنی که این زبان با خود داشت و باعث هدایت انسان‌ها به سوی پیشرفت و شکوفایی شد. مردم جزیره العرب با نشر اسلام به وسیله زبان قرآن راه این تمدن را هموار کردند و باعث شدند تا دیگر ملل نخبه جهان با شیفتگی فراوان زبان عربی را در آغوش گیرند و با این زبان، میراث فرهنگی دیرپای خود را منتقل کنند. ایرانیان با مشارکت عظیم خود در تمدن اسلامی و عربی و با نقش آفرینی بی‌همتا در ساماندهی زبان عربی، از دیگر ملل سرآمد بودند (ویکتور، ۱۳۸۷). مردم مسلمان ایران در کنار دیگر ملت‌ها و حتی پیشاپیش آن‌ها قدم‌های مؤثری در آموختن زبان عربی برداشتند تا جایی که بیشتر کتاب‌های صرف و نحو از تألیفات دانشمندان مسلمان ایرانی است. مثلاً سیبویه، دانشمند بزرگ علم نحو، اثر عمده خود «الکتاب» را با طرحی عالمانه و منظم در علم نحو تألیف کرد که مرجعی درسی به شمار آمد و هنوز هم آرا و نظرات او در میان نحوشناسان حجت است. و نیز ابن‌سینا و امام محمد غزالی بیشتر آثار خود را به زبان عربی نگاشته‌اند. امروزه زبان عربی یکی از چند زبان زنده دنیاست که میلیون‌ها انسان بدان سخن می‌گویند و در کنفرانس‌های جهانی نیز از جمله چهار زبان انگلیسی، فرانسه، آلمانی و عربی است که در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوها بدین زبان‌ها ترجمه هم‌زمان می‌شوند. زبان عربی زبان قرآن است و خداوند برای انتقال پیام خود که ابدی و همگانی است

این زبان را برگزیده است. ویژگی‌های خاص و توانمندی زبان عربی در انتقال مفاهیم و معانی می‌تواند از جمله دلایل گزینش این زبان از سوی خداوند محسوب شود. از نظر زبان‌شناسان، زبان عربی از کامل‌ترین زبان‌های دنیاست که به خوبی می‌تواند مفاهیم و مطالب گسترده و عمیق را در قالب‌های زیبا و کوتاه بیان کند (نک: المیزان، ج ۴، ص ۱۶۰؛ تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۰ و ج ۱۳، ص ۳۱۱؛ و ج ۲۱، ص ۸؛ پاسخ به پرسش‌های مذهبی آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله سبحانی، ص ۲۹۳). بر همین اساس است که عربی بودن قرآن مجید به‌عنوان لطف خدای متعالی در یازده آیه از کتاب الهی مطرح شده است. زبان عربی، غنی‌ترین زبان رایج دنیاست. امکان توصیف حالات هر گویشی به زبان عربی به راحتی قابل تبیین است، اما تبیین حالات زبان عربی توسط هیچ زبانی به راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود، بلکه به بیان توضیح و اضافات در انتخاب کلمات نیاز است. زبانی برتری دارد که: اولاً: سرعت انتقال معنای بالاتری داشته باشد. ثانیاً: دقت بیان بالاتری داشته باشد. ثالثاً: زیبایی ظاهری الفاظ آن، بر شیوایی بیان در آن زبان بیفزاید. بر این اساس، زبانی که از لحاظ لغات غنای بیشتری دارد، کشف حالات مورد نظر خداوند توسط آن راحت‌تر انجام بگیرد و علاوه بر آن، دقت عقلی زیادی را طلب کند (سازمان پژوهش‌ها و برنامه ریزی آموزشی. ۱۳۹۹).

برنامه‌ریزی آموزش زبان عربی

امروزه، کسب مهارت‌های مربوط به یک یا چند زبان خارجی به‌وسیله شهروندان کشورهای مختلف، پیش‌شرط لازم برای مشارکت همه‌جانبه در جامعه بین‌المللی و استفاده از فرصت‌های آن است. این ضرورت در حدی است که برای مثال، در اروپا توصیه می‌شود که حداقل دو زبان خارجی مربوط به سایر کشورهای اروپایی به‌وسیله نسل جوان این قاره فرا گرفته شود تا امکان تفاهم و ارتباط بیشتری بین مردم این کشورها ایجاد گردد. پارلمان اروپا، سال ۲۰۰۱ را به‌عنوان «سال اروپایی زبان‌ها» اعلام کرد تا آگاهی مردم را نسبت به تنوع فرهنگی و زبانی بالا ببرد و یادگیری زبان دیگر ملت‌ها را به‌عنوان کلید توسعه روابط فردی و شغلی به دیگران توصیه کند (Eurydice, 2001). یادگیری زبان خارجی همچنین به‌منظور استفاده از میراث‌های فرهنگی سایر کشورهاست. یادگیری زبان‌های لاتین، یونانی و عربی در دوره‌های مختلف تاریخی به‌دلیل محور بودن این کشورها از ابعاد مختلف بوده است (تیموری. ۱۳۹۲). بالدوف (۲۰۰۸) برنامه‌ریزی آموزشی زبان را شاخه‌ای از برنامه‌ریزی زبان برمی‌شمارد که با عنوان برنامه‌ریزی آموزش نیز شناخته می‌شود. شوهامی، سیاست آموزشی زبان را به مثابه سازوکاری معرفی می‌کند که هدف از آن خلق کاربردهای بالفعل زبان در فضاهای آموزشی به‌ویژه در نظامهای آموزشی متمرکز است. او این نوع سیاست را به‌منزله تصمیم‌گیریهایی زبانی درخصوص زبان مادری، ملی، دوم و یا خارجی در محیطهای خاص آموزشی چون مدارس و دانشگاهها معرفی می‌کند. این تصمیم‌ها عبارتند از: کدامین زبان و یا زبانها باید در محیطهای آموزشی ارائه شود؟ در چه

سنی این زبانها باید آموزش داده شوند؟ مدت زمان آموزش از حیث سال و ساعات هفتگی باید چه میزان باشد؟ چه کسانی باید مسئول آموزش باشند؟ چه کسانی صلاحیت تدریس دارند؟ چه کسانی باید فراگیر زبان باشند؟ از چه مواد درسی، شیوه تدریس، آزمون و... استفاده شود؟ (Shohamy, 2006). از دیدگاه آموزش زبان، کسب مهارت‌های چهارگانه زبانی، الزاماً به معنای توانش زبان‌آموزان در تعامل با گویشوران زبان خارجی و به عبارت دقیق‌تر، موفقیت وی در رفع نیازهای خود در محیط زبان خارجی نیست؛ چراکه توانش علاوه بر دانش و مهارت‌های کسب‌شده در باب زبان خارجی، دانش و مهارت‌های دیگری را نیز اقتضا می‌کند که از نظر ماهیت، مقولاتی فرازبانی تلقی می‌شود. توانش برقراری ارتباط، توانش تعامل اجتماعی و نیز دانش مربوط به فرهنگ و جامعه زبان خارجی از جمله موارد مذکور به شمار می‌روند (حقانی، ۱۳۹۰: ۷۵). موضوع آموزش زبانهای خارجی روزبه‌روز اهمیت بیشتری می‌یابد و بخش قابل توجهی از امکانات آموزشی، اعم از انسانی و غیرانسانی را در همه سطوح آموزش رسمی و غیررسمی، از آن خود می‌کنند؛ لذا در چند دهه اخیر برنامه‌ریزان زبانهای خارجی، برای رسیدن به شیوه‌های نوین علمی در آموزش زبان، می‌کوشیدند تا از یافته‌های دانشهای مختلف، به‌ویژه زبان‌شناسی، روانشناسی و تعلیم و تربیت بهره گیرند. از آنجا که زبان، پدیده‌ای بسیار پیچیده است، برای آموزش آن، به‌ویژه آموزش آن به غیراهل زبان سخن گفتن از یک روش واحد بسیار دشوار است؛ بنابراین استفاده از چند نظریه و چند روش اصولی و نظام‌مند در پیشبرد آموزش زبان، کارساز و مفید است. آموزش و یادگیری زبان عربی به‌عنوان یک زبان خارجی برای ما ایرانیان، بنا به دلایل دینی، ملی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره در طول تاریخ مهم بوده است، اما همین روش همواره با بیروشی یا روشهای نادرست همراه بوده است. بر این اساس در یادگیری زبان عربی به‌عنوان یک زبان دوم و غیرمادری، رعایت اصول و روشهای آموزش زبانهای خارجی لازم است تا زبان‌آموز بتواند براساس نیازهای زمان در هر چهار مهارت زبانی توانمند گردد (پروینی، ۱۳۸۹). آموزش و پرورش رسمی کشور بر محفوظات تکیه دارد و این روند برای هر دانش‌آموزی تا دوازده سال ادامه می‌یابد لذا اغلب آموزش‌هایی که طی این مدت اریه می‌شود، تا مرحله «ذهن» است و به مرحله «عین» نمی‌رسد. عدم «همراهی ذهنیات» با «عینیات» و تماس نیافتن آموزه‌های تئوریک با تجربه‌ها و واقعیت‌ها، نتیجه‌ای جز بیگانه‌سازی دانش‌آموزان با دنیای پرتنوع و فعال بیرونی ندارد. به‌عبارتی آموزش و پرورش رسمی ایران، دانش‌آموزان را با فرایندهای اجتماعی درگیر نمی‌سازد لذا دانش‌آموزان برخاسته از این نوع نظام آموزشی، در رویارویی با موج فرهنگ جهانی دچار انحرافات فکری خواهند شد (بیات، ۱۳۸۲: ۵۹). فلسفه آموزش زبان مشتمل بر رویکردهای متنوعی است که هر یک با توجه به محوریت خود منشاء شیوه‌ها و راهبردهای مختلفی در سطح اجرا بوده‌است و ابزارها و امکانات خاصی می‌طلبد. این رویکر متاثر نگاه خاص سیاست‌گذاران این حوزه به فرهنگ و زبان خارجی و نیز ایدئولوژی حاکم بر نظام آموزشی است و هدف خود را بر پرورش فکری و انتقال دیدگاه و نگرش مورد نظر در

برنامه درسی به زبان آموزان قرار می دهد. بی شک شناخت دقیق فرهنگ خودی و نهادهای آن در جامعه و برخورد فعال و معقول با فرهنگ زبان خارجی می تواند زمینه ساز تحولی بنیادین در حوزه آموزش زبان های خارجی از قبیل عربی و انگلیسی در کشورمان باشد؛ به عنوان نمونه، چنانچه فلسفه آموزش زبان عربی در ایران، فهم متون مذهبی باشد - همان گونه که امروزه چنین می نماید - این رویکرد استفاده از روش دستور - ترجمه را اقتضا می کند و با کمترین امکانات، اهداف این رویکرد، یعنی فهم متون دینی از طریق فراگیری دستور و ترجمه برآورده می شود. لازم به ذکر است که در این رویکرد، ادبیات بر زبان مقدم شده است و چه بسا زبان و مهارت های زبانی هیچ محلی از اعراب ندارد (آذرشب و همایونی، ۱۳۹۴). برای فراگیری زبان عربی و به تبع آن، ایجاد تعاملی سازنده با جهان عرب، تنها شناخت قواعد زبان و لایه های درون زبانی نمی تواند چنین امری را میسر کند و در هر نوع ارتباط به زبان عربی و تعامل زبانی با گویشوران آن زبان، نیازمند شناخت سطوح مختلف فرازبانی است که شامل سطوح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و سایر لایه ها و پیش انگاره هایی است که گفتمان در آن اتفاق می افتد؛ سطوحی که نظام زبانی نمی تواند صحت و سقم آن ها را تأیید کند، بلکه این ارزش های فرازبانی است که می تواند آن ساختار یا ساختارهای زبانی را بر اساس موقعیت سخن تأیید یا رد نماید. سیاستگذاری های کلی دست اندرکاران آموزش زبان های خارجی در هر کشور از مهم ترین مؤلفه های تأثیرگذار بر حوزه آموزش زبان است. این سیاستگذاری ها، برنامه ریزی های درون زبانی را به شدت تحت تأثیر خود قرار می دهد، به طوری که هر نوع برنامه ریزی زبانی در سطح خرد به چنین سیاستگذاری های کلانی گره خورده است و در واقع، این سیاستگذاری های کلان است که برنامه ریزی های زبانی را جهت می دهد. در فرآیند یادگیری زبان، اطلاعات نحوی، معنایی، منظورشناختی و گفتمانی باید با پیش انگاره های فرهنگی - تمدنی زبان مبدأ پیوند بخورد و به زبان آموزان عرضه گردد. از این رو به منظور ارائه برنامه ای منسجم و متکامل برای آموزش زبان عربی در ایران به معنای کاربردی آن نیازمند برنامه ریزی زبانی در سه سطح زیر هستیم: الف) برنامه ریزی توسعه زبان: در این نوع از برنامه ریزی جنبه های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با وضعیت زبان و میزان ضرورت به کارگیری آن و پذیرش آن به عنوان یک زبان رسمی یا به کارگیری آن در حوزه هایی خاص تأکید می شود. ب) برنامه ریزی اکتساب زبان: این نوع از برنامه ریزی به مسائل یادگیری زبان (اول یا دوم) و نیز صیانت و محافظت از آن مربوط می شود. این نوع برنامه ریزی، میدانی برای متخصصان حوزه های زبانشناسی، زبان، علوم تربیتی و روانشناسی به شمار می آید. ج) برنامه ریزی ساختار زبان: این نوع از برنامه ریزی به ابعاد درونی زبان مربوط می شود و به مسائل صرفاً زبانی مربوط می شود؛ از قبیل قواعد، اسلوب ها، واژگان، اصطلاحات، معجم ها، ابداع، وامگیری زبانی از جمله به رسمیت شناختن واژگان دخیل و... (آذرشب و همایونی، ۱۳۹۴). اهداف یادگیری زبان عربی را می توان در موارد زیر خلاصه نمود: - آموزش زبان عربی (برای اهداف عمومی، تخصصی و اجتماعی). - آموزش ادبیات عربی (به معنای تخصص در بخش های مختلف ادبیات، مانند: شعر،

رمان، داستان و...) - آموزش عربی برای اهداف تخصصی (سیاسی، فرهنگی، حقوقی، پزشکی و...) در سطح برون‌داد زبانی در کشور، حتی بسیاری از مدرسان قواعد و ترجمه، خود ناتوان از صحبت کردن، نوشتن، تفاهم و هم‌اندیشی با گویشوران عرب‌زبان هستند. آذرشب و همایونی بر این باورند که فلسفه آموزش زبان عربی و سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش زبان عربی به طور کلی، با اهدافی که شایسته است این رشته دنبال کند، تفاوت اساسی دارد و فلسفه آموزش زبان عربی در ایران در وهله نخست فراگیری این زبان و به‌کارگیری آن در سطح برون‌داد زبانی (نوشتن و صحبت کردن) است که برای رسیدن به این هدف، نیازمند نگرشی جدید هستیم که فهم و درک درستی از واقعیت زبان عربی با همه پیش‌انگاره‌های مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... را ضرورت می‌بخشد و بدون شک ادبیات (شعر، رمان، داستان و...) به عنوان آینه تمام‌نمای فرهنگ و اجتماع گویشوران یک زبان می‌تواند - به عنوان یک منبع جانبی - نقش ارزنده‌ای در فراگیری و درک صحیح زبان عربی داشته باشد. از این رو، زبان و ادبیات به همین ترتیب، نه عکس آن، باید بر اساس روش‌های متناسب با شرایط فراگیری زبان عربی در ایران در دستور کار قرار گیرد (آذرشب و همایونی، ۱۳۹۴). تا قبل از انقلاب اسلامی، زبان عربی به صورت محدود در نظام آموزش و پرورش آموزش داده می‌شد، اما بعد از انقلاب و براساس اصل شانزدهم قانون اساسی، تدریس این زبان بعد از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه مقاطع و همه رشته‌ها الزامی شد، زیرا زبان عربی زبان قرآن و معارف اهل بیت (ع) است و این زبان با زبان فارسی بسیار درآمیخته، به نحوی که فهم زبان فارسی تا حدی در گرو آشنایی و فهم زبان عربی است. علاوه بر این به تدریج بر اهمیت مراودات اقتصادی با کشورهایی که زبان آنها عربی است افزوده می‌شود و از دیدگاه استفاده از مزیت‌های اقتصادی و نیز برای کسب موفقیت در رقابت با سایر کشورها یادگیری زبان عربی دارای اهمیت است. از این رو همواره یادگیری زبان عربی به مثابه دغدغه‌ای برای سیاست‌گذاران حوزه فرهنگی و آموزشی مطرح است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹).

چالش‌ها و الزامات آموزش زبان عربی در ایران

براساس یافته‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، مهم‌ترین چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران عبارتند از: ضعف نیروی انسانی آموزش زبان عربی، روش سنتی آموزش زبان عربی، غلبه گرامر و قواعدمحوری در آموزش زبان عربی، نبود وسایل کمک آموزشی دیداری و شنیداری و ابزارهای چندرسانه‌ای، عدم تبیین درست اهداف آموزش زبان عربی، نامناسب بودن روش ارزشیابی درس زبان عربی و ناکارآمدی آموزش‌های ضمن خدمت. برخی از مهم‌ترین راهکارها عبارتند از: بازنگری در حوزه تربیت و یادگیری زبان عربی در برنامه درسی ملی با رویکرد تأکید بر نقش ارتباطی زبان عربی در متون درسی، بازنگری و اصلاح فرایند تربیت نیروی انسانی ویژه آموزش زبان عربی، برگزاری دوره‌های تخصصی و حضوری آموزش

معلمان، توجه به متن محوری، ایجاد تحول اساسی در روشهای سنتی تدریس و استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین آموزش زبان خارجی، اصلاح و بازنگری اساسی در نحوه ارزشیابی، تغییر و بازنگری در محتوای درسی با رویکرد پرهیز از قواعدمحوری و تبیین فلسفه، اهداف و ضرورت‌های ارائه آموزش زبان عربی در مدارس ایران (مرکز پژوهشهای مجلس. ۱۳۹۹). آموزش زبان عربی در هنرستان‌های کارودانش و فنی حرفه‌ای از مهمترین چالش‌های فرآیند آموزش است. نظام آموزشی برای هر بخشی از منابع یادگیرندگان، امکانات و سیاست‌هایی را فراهم کرده که از مهمترین این اقدامات، زمان اختصاص داده شده به فرآیند یادگیری-یاددهی است. چنانچه زمان بیش یا کمتر از حد معمول باشد، این فرایند دچار نقص خواهد شد. در این فرآیند آموزشی، زمان اختصاص داده شده به آموزش زبان عربی سبب نارضایتی دبیران و دانش‌آموزان شده است. راهکارهایی برای این مشکلات مانند پودمانی شدن درس عربی، افزایش زمان فراگیری درس عربی، تغییر کتب، آموزش معلمان، استفاده از طرح درس‌های کارآمد، آزمون‌های مستمر، گروه‌بندی، آموزش مطالعه روشمند ارائه شده است. ایجاد انگیزه و استفاده از روش‌های نوین یادگیری مانند یادگیری مشارکتی، بهترین نوع یاددهی در این زمینه است (عموری و خرم‌آبادی. ۱۳۹۹). کتاب آموزشی یکی از مهم‌ترین مواد آموزشی زبان خارجی است که غالباً به عنوان منبع اصلی ارائه می‌شود و از سایر مواد آموزشی به عنوان منابع فرعی استفاده می‌شود. اهمیت و سیطره کتاب آموزشی در آموزش زبان خارجی به حدی است که غالباً روش تدریس مدرس چیزی خارج از اهداف کتاب، روش ارائه محتوا و تمرینات آن نیست. روش یادگیری زبان‌آموزان نیز تا حد بسیار بالایی متأثر از کتاب آموزشی است. کتاب‌های آموزشی زبان خارجی در طول یک قرن گذشته بر اساس روش‌ها و رویکردهایی که در آموزش زبان ظهور کرد تغییرات زیادی را شاهد بوده‌اند؛ از کتاب‌های واژگان، قواعد و جمله‌محور در رویکرد ترجمه گرفته تا کتاب‌های گفتگو محور با تکیه بر روش‌های تکرار، حفظ و تمرینات جایگزینی در روش شنیداری گفتاری و کتاب‌های با محوریت نقش‌ها و تکالیف و تمرینات ارتباطی در رویکرد ارتباطی آموزش زبان. طبیعتاً انتخاب روش یا رویکرد کلی آموزش زبان، نوع رویکرد کتاب و روش نگارش آن را تعیین می‌کند. با وجود این، نگارش هر کتاب، سوای از رویکرد و روش کلی آن نیاز به رعایت چهارچوب علمی و اصول و مبانی روشمند دارد تا به اهداف مطلوب خود دست یابد. در حوزه زبان عربی، محمدی رکعتی (۱۳۹۵) با بررسی این امر به این نتیجه رسیده است که نیازسنجی اولین قدم برای تألیف یک کتاب آموزش مکالمه عربی است. در نیازسنجی وضعیت موجود (نکات مثبت و منفی) کتاب‌های مکالمه زبان عربی، مشکلات زبانی دانشجویان و سبک‌های یادگیری آنان و همچنین وضعیت مطلوب یعنی خواسته‌های دانشجویان، مدرسان، متخصصان و تصمیم‌گیران آموزشی و همچنین نیازهای بازار کار و ضرورت‌های آن سنجیده می‌شود. در مرحله بعد بر اساس نیازسنجی و مبانی نوین آموزش زبان خارجی و زبان عربی، رویکرد و فلسفه کلی‌ای که اهداف کتاب مکالمه زبان عربی بر اساس آن پایه‌ریزی می‌شود انتخاب می‌گردد.

عقلانیت آکادمیک، اهداف اجتماعی و اقتصادی، تمرکز بر زبان‌آموز، بازسازی ساختار اجتماعی و تنوع فرهنگی از جمله نظریات یا فلسفه‌هایی هستند که کتاب آموزش مکالمه زبان عربی می‌تواند بر اساس یک یا تلفیقی از آن‌ها پایه‌ریزی شود. بعد از انتخاب نوع اهداف، باید نوع محتوا بر اساس نیازسنجی، اهداف و مبانی آموزش زبان خارجی انتخاب شود. انواع محتوا شامل محتوای قواعدی یا ساختاری، محتوای موقعیتی، محتوای نقشی، محتوای مهارتی، محتوای تکلیف‌محور و محتوای موضوعی است. تمرینات کتاب نیز باید متنوع و پاسخگوی نیازها و سبک‌های یادگیری متفاوت دانشجویان باشد. از نظر ماهیت تمرین‌ها، سه نوع تمرین مکانیکی، معنایی و ارتباطی وجود دارد و از نظر نوع اجرا نیز تمرینات و تکالیف گروهی در کنار تمرینات فردی و دونفره می‌تواند انواع سبک‌های یادگیری را پوشش دهد. در حوزه ترجمه زبان عربی، باقری و فکری (۱۳۹۹)، مهم‌ترین چالش‌های آموزش ترجمه زبان عربی در ایران را به شرح ذیل برمی‌شمرند: ۱- غفلت اکثریت مدرسان ترجمه از رویکردهای ارزیابی ترجمه ۲- عدم تبیین و بومی‌سازی مدل‌های ارزیابی ترجمه از عربی به فارسی در حالی که تنها به بیان تئوری و کاربرست برخی از این مدل‌ها در بررسی و نقد آثار ترجمه شده به صورت موردی بسنده شده است. ۳- عدم مشارکت دانش‌آموختگان ترجمه در کارگاه و یا دوره‌های آموزش ترجمه و دنیای واقعی، حال آنکه آموزش ترجمه فقط به تحصیلات آکادمیک دانشگاه‌ها متکی است. ۴- استفاده از روش مستقیم استادمحوری آموزش ترجمه زبان عربی در دانشگاه‌ها تا روش‌های نوین و فرآیندمحور ترجمه. ۵- اعمال سلیقه در انتخاب کتاب‌های حوزه ترجمه جهت تدریس و کمبود مواد کمک درسی در حوزه ترجمه در دانشگاه‌ها به طوری که هر استاد بنا بر نظر شخصی خود به تدریس در این حوزه می‌پردازد. ۶- بی‌توجهی به مدل‌های کارآمد تدریس و کمبود متخصص و کاستی‌هایی در تدریس کتاب‌های نظری ترجمه و یکپارچگی آن‌ها در ترجمه افزون بر بُعد عملی آن. ۷- عدم تدوین هدفمند سر فصل دروس ترجمه در ایران تا جایی که افزودن واحد درسی «آشنایی با روش‌های تدریس ترجمه» در گروه‌های عربی دانشگاه‌های کشور الزامی به نظر می‌رسد. ۸- عدم تبیین مبانی آموزش ترجمه عربی به فارسی و برعکس که می‌توان به کمک عناصر زبانی فارسی و عربی از جمله اهتمام به دستور زبانی و معناشناسی، کاربردشناسی، تأثیر فرهنگ زبان و عنصر فرعی مهارت‌های زبانی به آن دست یافت. ۹- عدم توجه و اهتمام به کاربرست نظریه‌های معناشناسی و مؤلفه‌های معنایی ترجمه. ۱۰- نادیده گرفتن عناصر تأثیرگذار بر زبان مبدأ و مقصد از جمله نسبت زبانی، تداخل زبانی، ابهام‌های زبانی، مقوله فرهنگ و... . ۱۱- ضرورت اصلاح ساختارهای آموزشی، یادگیری و یاددهی در فراگیری زبان خارجی به عنوان پیش‌نیاز ترسیم مبانی نظری آموزش ترجمه. ۱۲- نادیده گرفتن فهم متن و تحلیل خطای فراگیران در برگردان باید به عنوان مهم‌ترین شاخص ارزیابی ترجمه فراگیران از سوی مدرسان مورد توجه واقع شود. ۱۳- یافتن ساختارهای معادل در دو بعد دستوری و معنایی مهم‌ترین چالش فراگیران ترجمه است که باید مدرس ترجمه در ارزیابی ترجمه مد نظر قرار دهد.

۱۴- عدم اهتمام ویژه به زبانشناسی مقابله‌ای و تطبیقی به عنوان بهترین روش برای شناخت ساختارهای دستوری، واژگانی و معنایی و تبیین عنصر فرهنگ در آموزش ترجمه. ۱۵- عدم انگیزه بخشی و ترسیم آینده روشن شغلی برای فراگیران.

آموزش زبان عربی در اسناد سیاستگذاری کشور

۱- قانون اساسی

قانون اساسی به عنوان عالیترین سند سیاستگذاری کشور در اصل شانزدهم در خصوص آموزش زبان عربی بیان می‌کند: «از آن جا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس ها و در همه رشته‌ها تدریس شود». از نگاه قانون اساسی فراگیری زبان عربی از دو جهت در کشورمان ضرورت پیدا می‌کند. از یک سو به این خاطر که زبان فارسی و عربی در طول تاریخ دوران اسلامی در ایران، آن چنان به هم آمیخته شده‌اند که تصور زبان فارسی بدون اشتراکات آن با زبان عربی بسیار سخت خواهد بود؛ و از سوی دیگر به این خاطر که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و برای دست یابی به این معارف که در نظام اسلامی بدون آنها امکان رشد و تکامل وجود ندارد، زبان عربی وسیله ای خواهد بود که از آن هیچ گریزی نیست. به عبارت دیگر از آنجا که آموزش زبان عربی، وسیله و راه دست یابی به قرآن و علوم و معارف اسلامی و همچنین عمل به برخی واجبات است، الزامی شده است و از این حیث میتوان گفت که در نگاه قانون اساسی آموزش زبان عربی موضوعیت نداشته و طریقت دارد. این الزام قانون اساسی بر پایه یک مبنای فقهی صورت گرفته است. در میان مذاهب مختلف اسلامی نگاههای متفاوتی در این زمینه وجود دارد. عده ای زبان عربی را جزئی از دین اسلام میدانند و حتی تکلم به غیر آن را ناپسند می‌شمارند و در مقابل بعضی حتی قرائت به زبانی غیر از عربی در نماز را نیز مجاز می‌شمارند. اما در نگاه فقههای امامیه، چون آموزش زبان عربی طریقت دارد، حکم آموزش آن نیز تابع هدف آن شده است. از همین رو به میزان اعمال واجب هم چون نماز و ... آموزش زبان عربی واجب و برای اعمال مستحبی دیگر، فراگیری آن مستحب خواهد بود. در حوزه فراگیری علوم اسلامی نیز که واجب کفایی به حساب می‌آید، برای کسانی که آموزش علوم اسلامی بر آنها واجب است، فراگیری زبان عربی نیز واجب خواهد بود؛ اما از آنجا که این وجوب عمومیت ندارد، در قانون اساسی آموزش به میزان حداقلی، فقط تا دوران متوسطه ضروری قلمداد شده است و مراتب بالاتر برای کسانی که در این حوزه گام بر می‌دارند، لازم خواهد بود (کعبی، ۱۳۹۴).

۲- سیاست‌های کلی نظام

سیاست‌های کلی نظام در دومین سطح سلسله مراتب سیاست‌های کلان کشور پس از قانون اساسی قرار دارد. این سیاست‌ها بوسیله مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و توسط رهبری ابلاغ می‌شوند. این سیاست‌ها به دو گونه است: سیاست‌های کلی موضوعی (موضوعات مختلف مانند علم و فناوری، آمایش سرزمین، جمعیت، خانواده و ...) و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه (رک پایگاه اطلاع رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام). بررسی سیاست‌های کلی نظام که تا کنون از سوی رهبری ابلاغ شده اند نشان می‌دهد هیچ گونه گزاره‌ای در خصوص آموزش زبان‌های خارجی از جمله زبان عربی در هیچیک از سیاست‌های کلی نظام اعم از موضوعی یا توسعه‌ای وجود ندارد. با توجه به اینکه سیاست‌های کلی نظام، حاوی چارچوب و مبنای جهت‌گیری کلی کشور در همه عرصه‌های حکومتی است که از سوی مقام معظم رهبری به موجب بند اول از اصل یکصد و دهم قانون اساسی تعیین می‌شود و همچون حلقه پیوندی بین اصول و اهداف نظام با وظایف دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی نقش ایفا نموده و هدف اصلی این سیاست‌ها ایجاد انضباط در کشور معرفی شده که مشخص‌کننده هندسه کلی نظام است (غلامی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۲)، عدم وجود سیاست‌هایی در خصوص آموزش زبان عربی در این سطح، موجبات پراکندگی و عدم انسجام سیاست‌های این حوزه در سطوح پایین‌تر را فراهم می‌کند.

۳- مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۶). مصوبه جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی). یکی از مهمترین سیاست‌های مصوب این شورا، مصوبه نقشه جامع علمی کشور است. در این سند سیاستی، آموزش زبان عربی در چند گزاره مورد توجه قرار گرفته است. در راهبرد ملی ۷ از راهبرد کلان ۶ آمده است: «تحول در نگرش‌ها و روش‌ها و محتواهای آموزشی بر اساس جهان‌بینی و تعلیم و تربیت اسلامی به منظور ارتقای توانایی‌ها و تقویت تفکر منطقی و خلاق و جستجوگر در دانش‌آموزان و دانشجویان منطبق با آموزه‌های اسلامی در زمینه‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی». و در توضیح آن در اقدام ملی ۴۱ آمده است: «ارتقا و افزایش جذابیت آموزش‌های قرآنی و اصلاح روش‌های آموزشی دینی و عربی». همچنین در راهبرد ملی ۲ از راهبرد کلان ۹ آمده است: «توسعه و تقویت شبکه‌های مناسبات ملی و فراملی دانشمندان و پژوهشگران و همکاری بین‌المللی با اولویت کشورهای اسلامی و کشورهای فارسی‌زبان» و در توضیح آن در اقدام ملی ۵ آمده است: «اصلاح و تحول در روش‌های آموزش زبان به ویژه زبان

عربی و انگلیسی در مقاطع آموزش عمومی» (شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۹. نقشه جامع علمی کشور). همچنین در مصوبه مهم دیگر این شورا تحت عنوان «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» در راهکار ۱-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چنین آمده است که «ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی- ایرانی مورد توجه قرار دارد» (شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۹۰. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش). می توان نتیجه گرفت آموزش زبان های خارجی در سند تحول، رویکرد انتخابی داشته و نیمه تجویزی است. بخش نیمه تجویزی و انتخابی، این فرصت را برای برنامه ریزان آموزش زبان های خارجی فراهم می کند، تا امکان تدریس زبان های غیر انگلیسی هم مورد توجه قرار گیرد. همانطور که ملاحظه می شود محورهای سند نقشه جامع علمی کشور در خصوص آموزش زبان عربی در حد کلیات و گزاره های ابهام آمیز باقی مانده و مشخص نیست منظور از «تحول در نگرش ها و روشها و اصلاح روشهای آموزشی» چیست؟ اگر سیاست سطح کلان منظور خود از این مفاهیم را مشخص نکند، امکان تفاسیر پراکنده در سیاستهای پایین دست فراهم شده و نیت سیاستگذار کلان برآورده نمی شود. امری که در این سند اتفاق افتاده است.

۴- قوانین مجلس شورای اسلامی

تاکنون مجلس شورای اسلامی مصوبه ای در خصوص آموزش زبان های خارجی شامل زبان عربی نداشته است. این امر نباید با مصوبات این نهاد در خصوص توسعه فرهنگ قرآنی، یکسان پنداشته شود. هرچند در مهرماه ۱۳۹۸، برخی از نمایندگان مجلس طرح یک فوریتی را با عنوان «رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزش همگانی کشور» ارائه کرده اند که به موجب آن آموزش تمامی زبان های انگلیسی و غیر انگلیسی اختیاری و از محیط مدرسه خارج و به آموزشگاه های آزاد سپرده می شود. هزینه آموزش نیز برعهده دانش آموزان خواهد بود. نمایندگان امضاکننده در بخش مقدمه و دلایل توجیهی این طرح به ضروری نبودن تعلیم زبان خارجی به دانش آموزانی که قصد ادامه تحصیل در دانشگاه ندارند، اشاره و استدلال کرده اند که آموختن زبان خارجی به این دانش آموزان به افت تحصیلی آنها منجر می شود. آنها معتقدند دانش آموزانی که با هدف مهارت آموزی و ورود سریع به بازار کار مسیر تحصیل در شاخه های کاردانش یا فنی و حرفه ای را انتخاب می کنند، نیاز ضروری به آموختن زبان خارجی ندارند. دلیل بعدی که نمایندگان امضاکننده این طرح به آن اشاره می کنند، ناکارآمدی مدارس در آموزش زبان خارجی است. آنها معتقدند که آموزش زبان در مدارس نسبت به آموزش در آموزشگاه های آزاد زبان کمتر موفقیت آمیز بوده و بهتر است که که آموزش تمامی زبان های انگلیسی و غیر انگلیسی از محیط مدرسه خارج شود و از طریق آموزشگاه های آزاد انجام شود. در تبصره یک ماده دو درباره میزان ارائه خدمات آموزش همگانی در خصوص هر زبان خارجی تاکید شده است که مشارکت با کشورهای طرف تفاهم در یک برنامه حداقل ۱۵ ساله و از طریق همکاری های علمی و فنی،

اعزام مدرس و ارائه بورسیه برای تربیت مدرس و معلم در پردیس‌های بین‌المللی دانشگاه‌های کشور باشد و بخشی از هزینه برقراری دوره‌های آموزشی در مناطق محروم و کمک هزینه دانش‌آموزان فاقد توان مالی را متقبل شوند. دانشگاه‌های مجری این قانون نیز باید در هر یک از تفاهم‌نامه‌ها علاوه بر آموزش زبان خارجی در حداقل دو رشته مقاطع تکمیلی، برای ایجاد دوره‌های آموزشی مشترک تعهد دهند. دانشگاه‌های مجری این قانون مکلف هستند در پنج سال ابتدایی اجرای هر تفاهم‌نامه حداقل ۶۰ درصد از بورسیه دوره‌های آموزش زبان تعهد شده از سوی طرف خارجی را به معلمان موضوع تبصره ۲ ماده ۵ این قانون اختصاص دهند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸). هرچند این طرح هنوز تصویب نهایی نشده است اما به نظر می‌رسد؛ زبان عربی و مکانیزم‌های آموزش آن باید با جزئیات و صراحت بیشتری و به شکل بخش مستقل در طرح گنجانده شود.

۵- مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش

شورای عالی آموزش و پرورش در سلسله مراتب سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران ذیل مجلس شورای اسلامی قرار دارد. قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۹ توسط مجلس شورای اسلامی اصلاح شد که بر اساس آن شورای عالی آموزش و پرورش زیر نظر عالی‌ترین مقام اجرایی کشور (رئیس‌جمهور) قرار گرفته است. در ماده ۶ وظایف و اختیارات این شورا چنین تشریح شده است: ۱- تعیین خط مشی آموزشی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با رعایت قوانین موضوعه کشور؛ ۲- بررسی و تصویب هدفها و نظام آموزشی وزارت آموزش و پرورش جهت ارائه به مجلس شورای اسلامی؛ ۳- بررسی و تصویب برنامه‌های درسی و تربیتی کلیه موسسات آموزشی کشور که در حوزه وزارت آموزش و پرورش قرار دارد و ... (قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). برنامه ملی درسی، برنامه درسی ملی این حوزه را به این صورت تعریف می‌کند: آموزش زبانهای خارجی بستر مناسبی برای درک و دریافت و انتقال میراث فرهنگی و دستاوردهای دانش بشری در قالبهای متنوع زبانی به صورت شفاهی، دیداری و نوشتاری برای مقاصد و مخاطبان گوناگون در مبادلات بین فرهنگی فراهم می‌کند. از آنجا که مراودات اجتماعی تحت تأثیر تعاملات جوامع بشری و رشد فناوری، توسعه پیدا کرده و این دامنه هر روز افزایش پیدا می‌کند، برای برقراری ارتباط سازنده و آگاهانه ضروری است متریان علاوه بر زبان مادری توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و دستاوردهای بشری را در سطح منطقهای و جهانی دارا باشند (نگاشت سوم، ۱). امروزه روشهای آموزش زبان بر توانایی ارتباطی فراگیران و حل مسئله تأکید دارد به گونه‌ای که فرد پس از آموزش قادر به ایجاد ارتباط با استفاده از تمامی مهارتهای چهارگانه زبانی (گوش کردن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن) باشد. از آنجاکه یادگیری زبان دوم به دلیل یکسویه شدن مغز که حدود ۱۰ تا ۱۲ سالگی

رخ می‌دهد توأم با مشکلاتی خواهد شد به همین دلیل جا دارد تا حد امکان سن و دوره تحصیلی آموزش زبان را پایین آورد. آموزش زبان خارجی می‌تواند در بخش دروس اختیاری از مرحله دوم دوره ابتدایی آغاز شود. بدیهی است آموزش در این دوره محدود به یادگیری آوای زبان و تعدادی از واژگان پایه خواهد شد. این آموزش با استفاده از اشعار آهنگین و بازیهای آموزشی زبان صورت می‌پذیرد (نگاشت دوم، ۳). در سطح دوم متوسطه متریبان باید بتوانند متنهایی در حد متوسط را بخوانند و مفاهیم آنها را دریابند. در ضمن توانایی نوشتن، در حد یک مقاله کوتاه، به زبان خارجی نیز در آنها تقویت شود. با توجه به این اهداف و برنامه‌ریزی برای تحقق آنها میتوان امیدوار بود در پایان دوره متوسطه، متریبان از تواناییهای لازم برای استفاده از منابع در حد متوسط برخوردار باشند و توانایی برقراری ارتباط را به یکی از زبانهای خارجی داشته باشند (نگاشت سوم، ۱). در پایان دوره متوسطه دوم متریبان باید توانایی خواندن و درک متون ساده تخصصی را کسب کنند (نگاشت سوم، ۱۱۲). در سطح دوم متوسطه، گسترش دامنه واژگان تخصصی رشته‌های تخصصی به درک بهتر متون تخصصی و برقراری ارتباط علمی کمک می‌کند (نگاشت سوم، ۱۱۲). همچنین این شورا در مصوبه سال ۱۳۸۱ خود، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مکلف به فراهم کردن مواد درسی لازم برای زبانهای خارجی آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی کرده است.

۶- مصوبات هیئت وزیران و دستگاه‌های اجرایی

هیئت وزیران به عنوان نهادی که برنامه‌ریزی اجرایی را در کشور انجام می‌دهد تاکنون مصوبه ای در خصوص آموزش زبانهای خارجی نداشته است. معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش می‌گوید: «سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در خصوص عناوین و ساعات مواد درسی به شورای عالی آموزش و پرورش مربوط است و معاونت‌های آموزشی و معاونت‌های دیگر هر کدام متناسب با وظایفی که به عهده دارند مدیریت و راهبری جریان تربیت و یادگیری را در حوزه‌های مختلف دستگاه تعلیم و تربیت رسمی کشور بعهده دارند. جایگاه درس زبان‌های خارجی در نظام آموزشی فعلی در منظومه یازده گانه حوزه‌های تربیت و یادگیری نظام آموزشی تعریف شده است و مواد درسی مرتبط با آن متناسب با اهداف سند تحول از طریق سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی تألیف و در پایه‌های تحصیلی که توسط شورای عالی آموزش و پرورش مصوب شده در مدارس متوسطه تدریس می‌شود. بدیهی است که زبان عربی در این میان بدلیل آمیختگی با فرهنگ دینی و مذهبی و نقش آن در فهم کلام وحی و قرآن و نیز به دلیل در هم تنیدگی با زبان فارسی، وضعیتی متفاوت دارد. در نظام آموزشی زبان عربی در حوزه تربیت و یادگیری قرآن و عربی تعریف می‌شود و مواد درسی مرتبط با آن تدریس می‌شود. به هر حال این موارد الزامات ایجابی و قانونی تدریس زبانهای خارجی در نظام آموزشی رسمی کشور در حال حاضر است (کمرئی، ۱۳۹۸).

جمع بندی

به نظر می‌رسد نهادهای اصلی متولی تدوین سیاستهای آموزش زبان عربی در سطوح اجرایی قرار داشته و معاونتهای وزارت آموزش و پرورش این سیاستها را مصوب می‌کنند. این امر چالشهای زیادی از جمله روزمرگی، عدم نوآوری، عدم نیاز سنجی، پراکندگی و عدم انسجام، نداشتن ایده محوری بالادستی، تغییرات رادیکال در سیاست ها و ... را در پی دارد. با توجه به وجود یک سیاست مشخص در عالیتترین سند سیاستی کشور یعنی قانون اساسی، پیشنهاد می‌شود نظام سیاستگذاری کشور به خصوص در سطح سیاستهای کلان شامل سیاستهای کلی نظام به طور مشخص رویکردها و جهت گیری های لازم را در این حوزه مشخص کند تا از پراکندگی و جزیره ای شدن سیاستهای سطوح اجرایی مانعت بعمل آید. همچنین لازم است شورای عالی انقلاب فرهنگی در نسخه بروز شده سند نقشه جامع علمی کشور، یک بخش کامل را به رویکردهای مشخص و شفاف در حوزه آموزش زبانهای خارجی از جمله عربی به همراه وظایف و تکالیف هریک از نهادهای سطوح پایین تر اختصاص دهد. نکته آخر اینکه با وجود اینکه بخشهایی در سند ملی برنامه ریزی درسی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، به مبانی آموزشی و یادگیری اختصاص دارد اما به دلیل عدم جامعیت و رهاشدن از بند کلیات و عدم ورود به رویکردهای اجرایی، بخشهای زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش تفاسیر مختص خود را از این سند به مرحله اجرا درآورده و درواقع سیاستهای کلان کشور نقشی در آنچه که در عمل در حوزه آموزش زبان عربی اتفاق میافتد، ندارد.

منابع

- ۱ - آزادی‌کناری، شعبان. (۱۳۷۶). «ملاحظات در باب زبان با نگاهی به آموزش زبان فارسی به خارجیان. نامه‌پارسی. ش ۷. صص ۲۵۸-۱۲۵.
- ۲ - آذر شب، محمدعلی و همایونی، سعید. ۱۳۹۴. واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاستگذاریهای / برنامه‌ریزیهای آموزش زبان (مطالعه موردی: آموزش زبان عربی در ایران). علم زبان. دوره ۳. شماره ۵
- ۳ - باقری، علی قربان و فکری، مسعود. ۱۳۹۹. چالش‌های آموزش ترجمه عربی - فارسی در دانشگاه‌های ایران از نگاه استادان این حوزه. دوفصلنامه پژوهشهای ترجمه عربی در زبان و ادبیات. دوره ۱۰. شماره ۲۳
- ۴ - بیات، محمد مراد: ۱۳۸۳ مجموعه مقالات جهانی شدن: جهانی شدن و ضرورت تعامل و گفتگوی فرهنگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵ - پروینی، خلیل. ۱۳۸۹. بررسی و نقد روش آموزش زبان عربی به شیوه مستقیم؛ بررسی موردی: کتاب‌های دکتر حسین خراسانی. فصلنامه جستارهای زبانی. دوره ۱. شماره ۲
- ۶ - تیموری، سعید. ۱۳۹۲. ارزیابی دیدگاه مدیران و کارشناسان مرکز ملی جهانی شدن پیرامون چالش‌های آموزشی - فرهنگی فراوری آموزش و پرورش در عرصه جهانی. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی. دوره ۴، شماره ۱۱
- ۷ - حقانی، نادر. ۱۳۹۰. آموزش زبان در بستر مجازی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۸ - سازمان پژوهشها و برنامه ریزی آموزشی. ۱۳۹۹. چرا زبان عربی کامل‌ترین زبان است؟
- ۹ - شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۷۶. مصوبه جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی

- ۱۰ - شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۹. نقشه جامع علمی کشور
- ۱۱ - شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۹۰. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
- ۱۲ - عموری، نعیم و خرم آبادی، فریده. ۱۳۹۹. ناکارآمدی آموزش زبان عربی در هنرستان‌های فنی حرفه‌ای و چالش‌های یادگیری آن. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. شماره ۵۵
- ۱۳ - غلامی، علی و بهادری جهرمی، علی. ۱۳۹۲. مفهوم، ماهیت و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام. دانش حقوق عمومی. دوره ۲ شماره ۳.
- ۱۴ - کرامش، کلر. (۱۳۹۰). زبان و فرهنگ. ترجمه فریبا غضنفری، راحله قاسمی و پدرام لعل‌بخش. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵ - کعبی، عباس. ۱۳۹۴. تحلیل مبانی اصل شانزدهم قانون اساسی. گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان
- ۱۶ - کمرنی، علیرضا. ۱۳۹۸. نباید آموزش زبانهای خارجی از نظام آموزشی رسمی پاک شود. قدس آنلاین. ۲۱ مهر
- ۱۷ - مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۱. قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش
- ۱۸ - محمدی رکعتی، دانش. ۱۳۹۵. مبانی رویکردی در تألیف کتاب دانشگاهی «مکالمه زبان عربی» بر اساس اصول آموزش زبان خارجی. دوفصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی. دوره ۲۰. شماره ۳۸
- ۱۹ - مرکز پژوهشهای مجلس. ۱۳۹۸. رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزش همگانی کشور.
- ۲۰ - مرکز پژوهشهای مجلس. ۱۳۹۹. چالشها و راهکارهای آموزش زبان عربی در مدارس. کد موضوعی ۲۷۰
- ۲۱ - ویکتور. ۱۳۸۷. زبان عربی در ایران گذشته، حال و آینده. نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی. دوره ۲. شماره ۶
- ۲۲ - یونسکو. ۱۳۷۹. آموزش و پرورش برای قرن ۲۱، ملبورن، گروه مترجمان، تک نگاشت ۲۷

23- Baldauf Jr, R.B. (2008). Rearticulating the Case for Micro Language Planning in a Language Ecology Context. In A. Liddicoat & R.B. Baldauf Jr. (Eds.), Language Planning and Policy: language Planning in Local Contexts (pp. 18- 41). Oxford, UK: Multilingual Matters

24- Eurydice (2001), "Foreign language teaching in schools in Europe", Eurydice European unit, Belgium.

25- Shohamy, E. (2006). Language policy: Hidden agendas and new approaches New York and London: Routledge.